

1. O Lord, you have searched me [thoroughly] and have known me.
2. You know when I sit down and when I rise up [my entire life, everything I do]; You understand my thought from afar.
3. You scrutinize my path and my lying down, And You are intimately acquainted with all my ways.
4. Even before there is a word on my tongue [still unspoken], Behold, O Lord, You know it all.
5. You have enclosed me behind and before, And [You have] placed Your hand upon me.
6. Such [infinite] knowledge is too wonderful for me; It is too high [above me], I cannot reach it

1. خداوند، تو مرا آزموده و شناخته‌ای.
2. تو از نشستن و برخاستن آگاهی، و اندیشه‌هایم را از دور می‌دانی.
3. تو راه رفتن و آرامیدنم را سنجیده‌ای، و با همه راه‌هایم آشنایی.
4. حتی پیش از آنکه سخنی بر زبانم آید تو، ای خداوند، به تمامی از آن آگاهی.
5. از پیش و از پس احاطه‌ام کرده‌ای، و دست خویش را بر من نهاده‌ای.
6. چنین دانشی برایم بس شگفت‌انگیز است، و چنان والا که بدان نتوانم رسید.

7. Where can I go from Your Spirit? Or where can I flee from Your presence?

8. If I ascend to heaven, You are there; If I make my bed in Sheol (the nether world, the place of the dead), behold, You are there.

9. If I take the wings of the dawn, If I dwell in the remotest part of the sea,

10. Even there Your hand will lead me, And Your right hand will take hold of me.

11. If I say, "Surely the darkness will cover me, And the night will be the only light around me,"

12. Even the darkness is not dark to You and conceals nothing from You, But the night shines as bright as the day; Darkness and light are alike to You.

7. از روح تو کجا بروم؟ از حضور تو کجا بگریزم؟

8. اگر به آسمان فرا روم، تو آنجایی، و اگر در هاویه بستر بگسترم، تو آنجا نیز هستی!

9. اگر بر بالهای سحر پرواز کنم، و در دوردست‌ترین کرانهای دریا قرار گزینم،

10. حتی آنجا نیز دست تو مرا راهنما خواهد بود، و دست راستت مرا خواهد گرفت.

11. اگر گویم: «بی‌گمان تاریکی مرا پنهان خواهد کرد، و نورِ گرداگردم به شب بدل خواهد شد»،

12. اما حتی تاریکی نیز نزد تو تاریک نیست، بلکه شب همچون روز روشن است؛ چرا که تاریکی و روشنایی نزد تو یکسان است.

**23. Search me
[thoroughly], O God,
and know my heart;
Test me and know my
anxious thoughts;**

**24. And see if there is
any wicked or hurtful
way in me,
And lead me in the
everlasting way.**

**23. خدایا مرا بیازما و
دلم را بشناس؛ مرا
امتحان کن و
دغدغه‌هایم را بدان.**

**24. ببین که آیا در من
راه اندوهبار هست، و
به راه جاودانی هدایت
فرما.**

**Introduction Reading / Pantomime 21 August
2022 / Genesis 28:1-10**

Jacob is one of the fathers of Israel. His twin brother Esau was born a little earlier than Jacob. Therefore, Esau is entitled to the blessing of the firstborn son. When their father Isaac was about to die, Jacob disguised himself as Esau. Thus, Isaac passed on to Jacob the blessing of the firstborn son. Esau is very angry that his brother Jacob has betrayed him. Jacob flees from his brother's anger to his uncle Laban. He lives far away from Israel in what is now Iraq. The pantomime is in Genesis 28, which tells what Jacob experiences with God during his flight.

**متن راهنمای پانتومیم تاریخ 21/8/2022 / کتاب پیدایش /
باب 28 / آیات 1 تا 10**

یعقوب یکی از پدران قوم اسرائیل است. برادر دوقلوی او، عیسو، کمی زودتر از او به دنیا آمده بود و سزاوار برکت پدر خود، اسحاق بود. هنگامی که اسحاق در شرف مرگ بود، یعقوب خود را به شکل عیسو درآورد. پس اسحاق برکت پسر ارشد را به یعقوب داد. عیسو از اینکه برادرش به او خیانت کرده بسیار عصبانی شد. یعقوب از ترس خشم برادرش به نزد عمویش، لابان گریخت. او در کشور عراق امروزی و دور از اسرائیل زندگی میکرد. پانتومیم امروز در ارتباط با باب 28 کتاب پیدایش است. در این باب نقل شده که یعقوب در زمان فرارش، چه تجربه ای از ملاقات با خداوند داشته.

10. Now Jacob left Beersheba [never to see his mother again] and traveled toward Haran.

11. And he came to a certain place and stayed overnight there because the sun had set. Taking one of the stones of the place, he put it under his head and lay down there [to sleep].

12. He dreamed that there was a ladder (stairway) placed on the earth, and the top of it reached [out of sight] toward heaven; and [he saw] the angels of God ascending and descending on it [going to and from heaven].

10. و اما یعقوب بِرِشْبَعِ را ترک گفته، به سوی حَرَّانِ روانه شد.

11. و به مکانی رسید و شب را در آنجا به سر برد، زیرا آفتاب غروب کرده بود. او سنگی از آنجا برگرفت و زیر سر خود نهاده، در همان جا خوابید.

12. و خوابی دید که اینک پلکانی بر زمین بر پاست که سرش به آسمان می‌رسد و فرشتگان خدا بر آن صعود و نزول می‌کنند.

13. And behold, the Lord stood above and around him and said, "I am the Lord, the God of Abraham your [father's] father and the God of Isaac; I will give to you and to your descendants the land [of promise] on which you are lying.

14. Your descendants shall be as [countless as] the dust of the earth, and you shall spread abroad to the west and the east and the north and the south; and all the families (nations) of the earth shall be blessed through you and your descendants.

15. Behold, I am with you and will keep [careful watch over you and guard] you wherever you may go, and I will bring you back to this [promised] land; for I will not leave you until I have done what I have promised you."

13. و هان خداوند بر بالای آن ایستاد و گفت: «من یهوه، خدای پدرت ابراهیم و خدای اسحاق هستم. سرزمینی را که بر آن خفته‌ای به تو و به نسل تو خواهم داد.

14. نسل تو همچون غبار زمین خواهند بود، و تو به غرب و شرق و شمال و جنوب منتشر خواهی شد. همه طوایف زمین به واسطه تو و نسل تو برکت خواهند یافت.

15. اینک من با تو هستم و تو را هر جا که بروی محافظت خواهم کرد و تو را به این سرزمین باز خواهم آورد. زیرا تا زمانی که آنچه را به تو وعده دادم به جا نیاورم، رهایت نخواهم کرد.»

**Sermon for 21 August 2022 on Gen
28:25a; Ps 139.5+6; Is 45:6+7**

Dear congregation!

1. Today is Israel Sunday. We ask: what does Israel, the people of the Old Covenant, give us Christians to take with us? What of their heritage is helpful and important for us? For us Christians, faith is decisive before all human activity. What of Israel's faith in God, whom we call the Father, also shines for us?

**خطبه روز 21/8/2022 درباره پیدایش (28. 25)
مزامیر (139. 5و6) و اشعیا (45. 6و7)**

دوستان عزیز

1. امروز یکشنبه اسرائیل نام دارد. ما از خود میپرسیم که قوم اسرائیل، در کتاب عهد عتیق، چه توصیه ای به ما مسیحیان میکنند؟ چه چیز مهمی از آنان به ما به میراث رسیده است؟ ایمان برای ما مسیحیان بیش از هر چیزی تعیین کننده است. آیا ایمان قوم اسرائیل به خداوندی که ما او را پدر می نامیم، برای ما معنی خواهد داشت؟

2. From Genesis we heard about Jacob in the pantomime. Jacob is one of the fathers of Israel and from his birth to his death we read about him, his family and about God. What Jacob experiences and hears from God is a model for my life, for our life with God. Jacob, on his flight from God, hears in a dream of the ladder to heaven the words: "Behold, I am with you, and will keep you in all places wherever you go." (Genesis 28:25a)

2. ما از کتاب اول موسی یعنی پیدایش در پانتومیم یعقوب شنیدیم. یعقوب یکی از پدران قوم بنی اسرائیل است که در باره او و خانواده اش و خداوند در کتاب یعقوب، از تولد تا زمان مرگ، میخوانیم. برای من آنچه را که یعقوب تجربه میکند و از خداوند میشنود، الگوی زندگی ما با خداست. یعقوب در هنگام فرار از خداوند در خواب این جمله را در مورد نردبان بهشت میشنود: "اینک من با شما هستم و هر کجا که بروید از شما محافظت خواهم کرد." (کتاب پیدایش 25/28)

3. Yes, this is what Israel gives us, this is what the Old Testament gives us: God is with me on the path of my life. He protects me and my family wherever we go. What a beautiful summer we are having! Who would have dreamed of this in Germany in the past: sunshine for weeks on end and a warmth like in Greece or Italy decades ago?

3. بله. قوم اسرائیل در عهد عتیق به ما میگوید که خداوند در راه زندگی با من است و در هر جا که باشم از من و خانواده ام محافظت میکند. امسال ما تابستان گرمی را در آلمان تجربه میکنیم. کسی در آلمان تصورش را نمیکرد که خورشید برای هفته ها در آسمان باشد. این مانند گرمای دهه های قبل در کشور یونان یا ایتالیا است.

4. Yes, we know that this improvement in the weather is related to climate change and therefore also has something bitter about it. But isn't this summer nevertheless a godsend? And the Maritime Days too? God protects me. Haven't we experienced this in difficult life situations, on the run or during serious illness?

4. بله . همه میدانیم که این گرمای هوا مرتبط با تغییرات اقلیمی ست و این چیز خوبی نیست . ولی آیا همین تابستان گرم هم موهبت الهی نیست؟ این که ما میتوانیم از ساحل دریا استفاده کنیم . خداوندا از من محافظت کن . آیا ما در شرایط سخت زندگی مثل فرار و بیماری و... این را تجربه نکرده ایم؟

5. Is not our life permeated by God's blessing? Doesn't God also guide my steps here and now onto a good path? And when I pray and present my problems and desires to God, how often am I amazed that he actually fulfils my requests? God also protects me like Jacob did back then. Is that not the keynote of my life?

5. آیا زندگی ما مملو از نعمت های الهی نیست؟ آیا خداوند قدم های مرا امروز و اینجا در مسیر خوبی هدایت نمیکند؟ و وقتی که من دعا میکنم و مشکلاتم را به خداوند میرسانم، باز تعجب میکنم که او خواسته های مرا برآورده میسازد. خدا از من محافظت میکند همانطوری که یعقوب این کار را کرد. آیا این موضوع اصلی در زندگی من نیست؟

6. Yes, you may think, that is so. But don't problems also remain in my life? Often everything is difficult and I need patience to discover the trace of God's blessing in my life. Jacob did not go straight from flight to paradise. He had to work hard for his uncle. He had to wait seven years for the woman he loved. But despite all the ups and downs: God was always with him and looked after him, leading him on a good path.

6. بله. ممکن است فکر کنید که اینطور است. اما آیا باز هم مشکلاتی هستند که در زندگی من بمانند؟ اغلب همه چیز سخت است و من به صبر نیاز دارم تا تاثیر نعمت عای خداوند را در زندگی خود ببینم. یعقوب نیز بعد از فرار مستقیم به بهشت نرفت. او باید با عمویش سخت کار میکرد. او باید هفت سال منتظر زنی که دوستش داشت میماند. ولی با همفراز و نشیب ها باز هم خداوند مراقب او بود و او را به راه درست هدایت نمود.

7. God protects me too. Yes, but. The but is part of it and does not contradict the yes. New challenges are always waiting for me. One problem is solved, the next one comes. Again and again I get into trouble so much that I fold my hands and ask God for help. And again and again he helps me and it goes on.

7. خداوند از من محافظت میکند. بله، اما!؟ این "اما" منافاتی با "بله" ندارد. همیشه چالش های جدیدی در انتظار ماست. یک مشکل حل میشود ولی مشکلی دیگر می آید. انقدر دچار مشکلات میشویم تا در نهایت دستهایمان را روی هم میگذاریم و از خداوند طلب کمک میکنیم. و او بارها و بارها به ما کمک میکند.

8. I believe from the Old Testament, from Genesis, that this is how it should be. God is always with me and protects me on a path that is not easy. But God does not let me go, I can trust him. So Genesis is about God and my family, about God in the context of my circumstances, about the specific path I am taking.

8. من از روی کتاب پیدایش موسی (کتاب اول عهد عتیق) معتقدم که همه چیز باید همینطور باشد. خدا همیشه با من است و در این مسیری که پر از دشواریست از من محافظت میکند. من به او ایمان دارم چون که او مرا رها نمیکند. کتاب پیدایش (کتاب اول موسی) در مورد خدا و خانواده من، در مورد خدا و ارتباطش با شرایط زندگی من و در مورد مسیر مشخصی است که من آن را می پیمایم.

9. The Psalms are about something even deeper. About God and me. What is important for our culture: that I am not only part of a big "we", a family, but an independent "I", has its historical root here in the Psalms. I also stand before God as an individual. God is the great You of my life. I am me in the face of God's You.

9. در کتاب مزامیز به چیز عمیقتری پرداخته میشود. این کتاب در مورد من و خداوند است. چیزی که در فرهنگ ما بسیار اهمیت دارد و ریشه تاریخی آن در کتاب مزامیر است، این است که "من" فقط بخشی از یک خانواده بزرگ نیستم بلکه دارای یک شخصیت مستقل هستم. من به عنوان یک شخص واحد در مقابل خداوند می ایستم. خداوند تو بزرگترین در زندگی من هستی و من اکنون در پیشگاه تو هستم.

10. In Psalm 139, which was prayed at the beginning, it says: "From behind and from the front you have embraced me and laid your hand on me. Too wonderful is this knowledge for me. It is too high for me. I cannot comprehend it." (Psalm 139:5,6) We know this from our personal environment: as a child we live opposite mother and father, brother and sister, boyfriend and girlfriend, and later with the You of our partner.

10. در دعای اول از کتاب مزامیر شماره 139 گفته شد: "از پشت و جلو مرا در اغوش گرفتی و دست خویش بر من نهادی. این فهم و دانش برای من بسیار شگفت انگیز است. این برای من چنان پر معناست که نمیتوانم درکش کنم." (مزامیر 139. 5 و 6) ما این را از پیرمون خود آموخته ایم. ما در کودکی در مقابل پدر و مادر و خواهر و برادر خود زندگی میکنیم و سپس در برابر دوستان و در آخر در برابر شریک زندگی خود.

11. The Psalms say: the most important You of my life is God. Whether I am alone or with many people, younger or older, whether I am doing well or not so well, it is decisive for my life that I live with the You of God. He will still be with me when all my other companions and I leave this life.

11. کتاب مزامیر میگوید که مهمترین "تو" در زندگی من، خداوند است. چه تنها باشم یا در میان جمعی بزرگ، جوان باشم یا پیر، حالم خوب باشد یا بد، آنچه در زندگی من مهمترین است، این است که با "تو" زندگی کنم. اگر همه بروند و من نیز زندگی را ترک کنم، همچنان او با من خواهد بود.

12. God gives me a security that no human being can give me, even if I can see and touch my fellow human being and not God. God surrounds me on all sides and holds his hand over me. That is the secret of my life. That's what Israel gives me, that's what the Psalms give me on my way: me with the You of God. It's good to take time for this alongside the other important things in my life.

12. خدا به من چنان امنیتی میدهد که هیچ کس دیگری قادر به انجام آن نیست، حتی اگر در بین مردم زندگی کنم و آنان را لمس کنم ولی قادر به دیدن و لمس کردن خداوند نباشم. خدا از هر سو مرا دربر گرفته و دستش را روی سرم گذاشته. این راز زندگی من است. این توشه ایست که قوم اسرائیل و کتاب مزامیر در راه زندگی به من داده اند: من با تو هستم ای خداوند. این خوب است که در کنار تو برای چیز های مهم دیگر زندگی ام وقت میگذارم.

13. God protects me and my family. I am in the presence of the You of God. The Old Testament already tells us this. And something else is important and a theme in the prophets. The individual Israelite is not only part of his or her family, but also of the people of Israel. And Israel, as we learn in the time of the great prophets like Isaiah and Jeremiah, is part of world history.

13. خداوند، من و خانواده ام را محافظت کن. من در پیشگاه تو هستم. این چیز است که در راه زندگی به ما میدهد. و البته موضوع مهم دیگری به نام "پیامبران". یک فرد اسرائیلی نه تنها بخشی از خانواده خویش، بلکه بخشی از قوم اسرائیل است. و اسرائیل، همانطور که در عصر پیامبران بزرگی چون اشعیا و ارمیا هم بوده، بخشی از تاریخ جهان است.

14. The great powers of that time shake the people of Israel to and fro and the prophets discover: God is the Lord of history, the Lord of the world, everything is in his hands. In the prophet Isaiah, who is strongly filled with God's love, God speaks: "It is I who creates light and darkness, who makes peace and mischief. I am the Lord who brings about all things." (Isaiah 45:7)

14. قدرتهای بزرگ آن زمان همواره قوم اسرائیل را به این سو و آن سو می کشاندند و از این رو پیامبران دریافتند که خداوندی که تمام جهان در دستان اوست، خالق این تاریخ است. خداوند با اشعیای نبی، که سرشار از محبت خداوند است، چنین سخن میگوید: "این من هستم که نور و تاریکی را خلق کردم و خیر و شر را به وجود آوردم. من آن خدایی هستم که قادر به انجام هر کاری است." (اشعیا 45. 7)

15. Right now (at the moment) he is also shaking our world up quite a bit. Corona, climate change, Ukraine war, energy crisis and inflation are the familiar keywords. What will autumn and winter bring when all these problems come together after this beautiful summer?

15. در حال حاضر او دنیای ما را کمی تکان میدهد. کرونا، تغییرات اقلیمی، جنگ اوکراین، بحران انرژی و تورم لغات آشنایی هستند. اگر بعد از این تابستان زیبا تمام این مشکلات با هم همراه شوند، انوقت پاییز و زمستان چه با خود خواهند آورد؟

16. Israel and its prophets tell us: don't just look at the problems that are gathering and at the future that is not in your hands. Look at the one who has you and the whole world in his hand. He moves and changes everything, and yet he is the God who sees you and protects you and yours.

**16. قوم اسراییل و پیامبران
به ما میگویند که فقط به
مشکلاتی که روی هم انباشته
میشوند و آینده ای که در
دستان تو نیست، خیره نشو. به
او نگاه کن که تو و تمام جهان
هستی را در دستان خود دارد.
او حرکت میکند و همه چیز را
تغییر میدهد، در حالی که تو را
میبیند و از تو محافظت میکند.**

17. In the end, with him it does not come down to chaos but to good order, not to injustice but to justice, not to dictatorship but to freedom. I don't have to be afraid, I can be curious about how God will direct things. Yes, we face many challenges, but with his help we will go through them well.

17. با اوست که در نهایت نه به هرج و مرج بلکه به نظم و آرامش، نه به بیعدالتی بلکه به عدالت و صلح، و نه به دیکتاتوری بلکه به آزادی میرسیم. من نباید بترسم بلکه باید منتظر باشم تا چطور خداوند تمام امور را در دست گیرد.

بله، ما در برابر چالش های زیادی قرار داریم اما با کمک او در تمام مشکلات عبور خواهیم کرد.

18. Israel Sunday. What Israel, what the Old Testament gives us to take with us. Certainly, with Jesus and the Holy Spirit in the New Testament, further great things are added to our Christian faith. But already what Israel gives us, what we share with the Jews, is very precious.

18. یکشنبه اسرائیل. چیزی که قوم اسرائیل و عهد عتیق به ما می بخشند. مطمئناً بعد از آن و در عهد جدید، همراه با عیسی مسیح و روح القدس، چیزهای بزرگتری برای ایمان ما مسیحیان آمده است. اما آنچه ارزشمند است، چیزی است که قوم اسرائیل با ما و ما با یهودیان به اشتراک میگذاریم.

19. In all your crooked ways, God will protect you and yours, as Jacob once did. You may say and be "I" and God is the great You, the great counterpart and secret of your life. Even in the world, which can be so frightening, you do not stand alone, but with God. Not you, but He has everything under control and will bring it to a good end.

Amen!

19. در تمام فراز و نشیب های زندگی خداوند از تو مانند یعقوب محافظت میکند. تو اجازه داری که "من" باشی و خدا بزرگترین "تو" و پیشگاه و راز زندگی تو باشد. همچنین در مقابل جهانی که میتواند اینقدر ترسناک باشد، تو تنها نیستی، بلکه این خداوند است که همه چیز را در کنترل خود دارد و ان را تا پایانی خوش هدایت خواهد کرد.

امین